

## غلط املائی با ما چه می‌کند؟

درست نوشتن کلمات اغلب نمادی از باسوادی به شمار می‌رود و برعکس، کسانی که غلط‌های املائی زیادی دارند، بهانه خوبی به دست دیگران می‌دهند تا آن‌ها را حواس‌پرت و بی‌سواد بنامند و مسخره کنند.



درست نوشتن کلمات اغلب نمادی از باسوادی به شمار می‌رود و برعکس، کسانی که غلط‌های املائی زیادی دارند، بهانه خوبی به دست دیگران می‌دهند تا آن‌ها را حواس‌پرت و بی‌سواد بنامند و مسخره کنند.

به گزارش ایسنا، روزنامه «جوان» در ادامه نوشت: در شبکه‌های اجتماعی هم معمولاً آدم‌هایی پیدا می‌شوند که می‌چرخند و از دیگران غلط املائی می‌گیرند تا ثابت کنند که وضع سواد خراب است و بچه‌ها در مدرسه هیچ چیز یاد نمی‌گیرند. باین حال، شاید غلط‌های املائی، نشانه‌های عمیق‌تری از فرهنگ ما را در دل خودشان پنهان کرده باشند.

اینطور که پیداست، یک چیز من‌همه را یاد شاعر ناپینای قرن هفدهم می‌اندازد. نام خانوادگی «میتون» - که «میتون» باشد - فرانسوی است، اما خارج از این کشور همه بدون استثنا، آن را «میلتون» می‌نویسند، مثل فامیلی نویسنده شهیر انگلیسی، جان میلتون، خالق حماسه بهشت گمشده.

تعجبی ندارد که آدم‌ها گاهی اسم‌ها را نآشنا را غلط بنویسند، اما فامیلی من را از هر ۱۰۰ نفر، ۹۹ نفر با «میلتون» اشتباه می‌گیرند. سروکله این نام‌روی همه چیز من پیدا می‌شود، از کارت باشگاه دانشگاه گرفته تا ایمیل‌ها؛ هایی که همکارانم می‌زنند.

شاید در نظر اول بی‌معنی جلوه کند، ولی همین غلط‌ها املائی نکته مهمی را در مورد نحوه شکل‌گیری و تثبیت سنن فرهنگی روشن می‌سازند. موضوع «استمرار» یکی از عمده‌مسائلی است که محققان حوزه فرهنگ به مطالعه آن می‌پردازند: چرا آدم‌ها کاری را طی مدت درازی، به شکل تقریباً واحدی، انجام می‌دهند؟ مثلاً چطور دستورهای سنتی مثل تامال - که خمیر ذرت را در پوست ذرت می‌پزند - نسل به نسل حفظ شده است؟

فرض بیشتر نظریه‌پردازان تکامل فرهنگی این است که «انتقال دقیق» یا آنچه به «پایبندی فرهنگی» معروف است باعث استمرار سنت‌های فرهنگی می‌شود.

آن‌ها می‌گویند، از آنجا که اعتقاد بر این است انسان‌ها استعداد فوق‌العاده‌ای دارند در اینکه اطلاعات را از طریق تقلید به دست بیاورند، پس معلوم می‌شود که الگوهایمان را بدون خطا تقلید می‌کنیم. این پژوهشگران تأکید می‌کنند، همانطور که دی‌ان‌ای انسان‌ها اطلاعات ژنتیکی را با میزان بسیار پایین جهش‌ها تصادفی تداوم می‌بخشد، اطلاعات فرهنگی نیز به ارث می‌رسند.

این طرز تلقی از دگرگونی‌ها فرهنگی سبب شده معتقدان به تکامل فرهنگی مبنای اندیشه خود را بر زیربنای ژنتیک جمعیتی استوار سازند و از الگوهای استفاده کنند که می‌گویند استمرار فرهنگی تنها از طریق وراثت ممکن می‌شود. اما حقیقت این است که اطلاعات فرهنگی و اطلاعات ژنتیکی با یک میزان از «پایبندی» به نسل‌ها بعد منتقل نمی‌شوند.

تکرار برخی غلط‌های املائی تنها یک نمونه است که نشان می‌دهد فرآیند دست‌یابی انسان به اشکال تثبیت‌شده فرهنگی پیچیده‌تر از اینهاست.

من، به اقتضای اینکه انسان‌ها شناس‌شناختی هستم و در حوزه نوظهور و میان‌رشته‌ای علم پیچیدگی کار می‌کنم، به موضوع چگونگی استمرار اشکال فرهنگی علاقه‌مندم، اشکالی که نه به خاطر تکثیر با میزان پایبندی بالا، مثل اطلاعات ژنتیکی، بلکه برعکس، معمولاً به دلیل تقلید نادرست تداوم می‌یابند.

من و همکارانم دریافته‌ایم آنچه سبب می‌شود انسان‌ها طی زمان، اشکال تکرارشونده و مشابه (مثل دستور پخت غذا یا یک سکوانس موسیقایی خاص) پدید آورند عوامل شناختی، محیطی، اجتماعی و دیگر مؤلفه‌های مرتبط با انتقال اطلاعات است که «تغییرات» خاصی را به وجود می‌آورد.

به بیان دیگر، فرض اولیه‌ای است که راه تکامل فرهنگی از تکامل زیست‌شناختی جداست. اشکال فرهنگی تثبیت‌شده ضرورتاً نتیجه هم‌تاسازی دقیق نیستند، بلکه چه‌بسا بی‌وقفه از تغییرات نامحسوس پدید می‌آیند.

با این توضیح، آیا سرزدن برخی اشتباهات خاص از ما چیزی را درباره پیچیدگی فرهنگ‌ها انسانی برملا می‌سازد؟ بیشتر غلط‌های املائی تغییراتی نظام‌مند و غیرتصادفی در کلمه‌ها هستند. افراد، به دلایل فراوان، کلمه‌ها را تغییر می‌دهند، بسته به اینکه مثلاً از املائی غلط یا درست کلمه مطلع باشند یا خیر و اینکه پیش از این چقدر کلمات مشابه را دیده باشند.

در مورد نام خانوادگی خودم «میتون»، احتمالاً انگلیسی‌زبان‌ها گونه نزدیک‌تر «میلتون» را خیلی بیشتر دیده‌اند. پس اگر از املائی درست فامیلی‌ها مطلع نباشند، خودکلمه‌ها را که بلندن انتخاب می‌کنند.

رلم&کنند.

انگلیسی رلم& زبان رلم& ها، از مدرسه یا جاهای دیگر، «میلتون» را که فامیلی یکی از شعرا معروف است می رلم&; شناسند. به همین خاطر، فکر می رلم&; کنند املاهای کلمه درست است. به بیان دیگر، انباشت تجارب شخصی، تحصیلات و دیگر اشکال شناخت فرهنگی نقشی اساسی در انتقال اطلاعات ایفا می رلم&; کنند.

غلط رلم&; های املایی به محیط زبانی ای که این غلط ها در آن رخ می دهند نیز ارتباط دارند. اگر اسمی از مجموعه صوتی تشکیل شده باشد که در زبانی معمول نباشد، اهالی آن زبان، معمولاً صورتی از آن اسم می رلم&; سازند که به الگوهای صدایی زبانشان نزدیک رلم&; تر باشد. به همین دلیل است که تلفظ درست «میتون» در فرانسه با تلفظ انگلیسی «میلتون» هم کاملاً متفاوت است.

این نمونه ها در زندگی روزمره فراوانند که افراد به شکلی نظام رلم&; مند، بخش رلم&; های مختلف اطلاعات را به صورت رلم&; هایی غیرتصادفی تغییر می رلم&; دهند. من در پژوهشم، برای مطالعه این تغییرات نظام رلم&; مند، از روشی استفاده می رلم&; کنم که ملهم از بازی «تلفن» میان کودکان است. در این بازی، یکی از کودکان جمله رلم&; ای را آهسته در گوش بغل رلم&; دستی رلم&; اش می رلم&; گوید و او هم هر چه شنیده را به بعدی منتقل می رلم&; کند و همین رلم&; طور تا آخر. بعد، نفر آخر صف هرچه را که شنیده است می رلم&; گوید و با جمله اصلی مقایسه می رلم&; کند. جملات اول و آخر، در نهایت، همیشه متفاوت از کار درمی رلم&; آیند که موجب خنده همه بچه ها می شود. چند وقت پیش به نیو رلم&; مکزیکو نقل مکان کردم و حالا جهش جدیدی در نام خانوادگی رلم&; ام پیدا شده است: «میتون». هنوز درگیر هضم این یکی هستم.

نقل از: وبسایت ترجمان/ نوشته: هلینا میتون/ ترجمه: عرفان قادری/ مرجع: ناتیلوس